

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

فرستنده: یک تن از هواداران

ترجمه: مینا شرفی

منبع: لس آنجلس تایمز

قتل های ناموسی با دستور ریش سفیدان هندی

ودپال مائون ۲۷ ساله در دهکده کوچک خود که در شمال غربی دهلی نو واقع است، جوانی شایسته محسوب می شد. بسیاری از خانواده های دختردار این دهکده آرزو داشتند ودپال دامادشان شود اما خانواده او هر بار که صحبت ازدواجش می شد، تنها به ذکر این نکته در مورد پسر مجرد خود اکتفاء می کردند؛ او هنوز آمادگی ازدواج ندارد. ولی حقیقت چیز دیگری بود. ودپال دلبسته سونیا بنوال ۱۸ ساله بود که در دهکده ای نزدیک آنها زندگی می کرد. دل بستن دختری جوان و پسری مجرد احتمالاً در اکثر نقاط جهان اعضای دو خانواده را خوشحال می کند اما در مناطق روستائی هند که سنت ها ریشه در تمامی ارکان زندگی انسان ها دارد، عاشق شدن به این شکل هیچ جایی در خانواده ها و قبایل ندارد. در این مناطق قول و قرار ازدواج دختر و پسر از سال ها قبل، توسط بزرگ ترهای خانواده و ریش سفیدهای ده گذاشته می شود و این قول و قرارها مهم تر از هر چیزی از جمله عشق و علاقه است. حال اگر کسی بخواهد پا روی این سنت ها بگذارد، در بعضی از موارد باید بهای گزافی بپردازد. چنین عشق هائی در بسیاری از موارد به قتل آنهائی که سنت ها را زیر پا گذاشته اند، می انجامد. در اواخر جولای بود که مائون بالاخره توانست با بنوال ازدواج کند، اما تنها سه ماه بعد توسط چند نفر از ساکنان روستای دختر تکه تکه شد. آنها با داس و تبر به این پسر جوان حمله کردند و آنقدر به او ضربه زدند تا وی دیگر هرگز نتوانست حرکت کند. حالا سه ماه از قتل این جوان محبوب می گذرد اما هیچ کس به جرم قتل او دستگیر نشده است. به گفته والدین ودپال حتی هیچ کس هم به دلیل قتل پسرشان مورد بازجویی قرار نگرفته است.

این قتل ها که به «قتل های ناموسی» معروف هستند، هر چند وقت یک بار در ایالت های مختلف هند اتفاق می افتد اما در هیرایانا این اتفاق بیش از سایر نواحی رخ می دهد. هیرایانا به خاطر قتل های ناموسی بسیاری که در آن به وقوع می پیوندد، مشهور است. این پدیده خصوصاً در میان قوم «جات» که مائون و بنوال از آن بودند بیشتر رایج است. در این ناحیه ریش سفیدان برای جوانان آینده روستا تصمیم می گیرند و معمولاً در این تصمیم گیری ها، کودکان دختر و پسر را بر اساس مصلحت ها، برای هم در نظر می گیرند. زمانی که این کودکان بزرگ شوند باید

حتماً براساس قول و قرارها ازدواج کنند و اگر این کار را نکنند، مجازات می شوند. که این مجازات ها انواع مختلف دارد. از جریمه کردن گرفته تا مرگ سزای افرادی است که از این قول و قرارها سرپیچی کنند.

هرچند ساختارهای قانونمند و متمدن هم در این جوامع وجود دارد اما بسیاری از مسؤولان و ماموران پلیس هم برای حل مشکلات خود به ریش سفیدان مراجعه می کنند تا آنها در مورد خاطیان تصمیم بگیرند. در چنین سیستم بسته ای خانواده ها ترجیح می دهند به جای فکر کردن به خوشبختی فرزندان خود کاری کنند که دهان مردم بسته شود. مائون و بنوال به رغم آنکه می دانستند چه اتفاقات تلخی می تواند در انتظارشان باشد تصمیم گرفتند با هم ازدواج کنند. آنها برای مدتی از سرنوشت خود فرار کردند و در شهرهای شلوغ و پرجمعیت شب و روز خود را گذراندند. اما ریش سفیدان که از کار آنها عصبانی بودند، تصمیمی غیرانسانی برای این زوج جوان گرفتند. به خانواده این دو نفر اطلاع داده شد که اگر این دو به روستای خود بازنگردند افرادی دیگر از اعضای خانواده آنها به جای آنها مجازات خواهند شد. مسار مائون مادر ودپال در این باره می گوید؛ «پسرم و عروسم به دهکده بازگشتند در حالی که فکر می کردند بنوال کشته خواهد شد. اما این پسر من بود که کشته شد.» مجمع ریش سفیدان که مثل یک نهاد قرون وسطائی عمل می کند، تمام تلاش خود را می کند با خاطیان برخوردی جدی داشته باشد تا زمام امور از دست شان خارج نشود البته آنها علی الظاهر هیچ گاه دستور قتل افراد خاطی را صادر نمی کنند. سنگوان که یک استاد جامعه شناسی است در این باره می گوید؛ «نوعی نگاه در این جوامع شکل گرفته که در آن باید فرد خاطی کشته شود چرا که آنها فکر می کنند در این صورت وجهه روستایشان در میان دیگران خراب خواهد شد. اگر پدر و مادری، دختر و پسر خود را به قتل برسانند مثل این است که به وظیفه خود عمل کرده اند. و هیچ سرزنشی متوجه آنها نخواهد بود.»

قتل مائون مثل ده ها قتل ناموسی است که در مناطق روستائی هند صورت می گیرد البته در بیشتر موارد زن و مرد هر دو به قتل می رسند. پلیس هند در بسیاری مواقع در این موارد سکوت می کند و اگرچه پرونده هائی تشکیل می شود اما با توجه به متحد بودن اهالی منطقه در مورد این گونه مسائل و فاش نشدن جزئیات قتل ها معمولاً پرونده ها بی نتیجه می ماند. در بسیاری از موارد پرونده ها اصلاً به مرحله بازجویی و تحقیق نمی رسد چرا که ماموران پلیس می دانند حتی اگر تلاش کنند هم به نتیجه ای نخواهند رسید. پی چندامارابان وزیر داخلی ایالتی در مورد این گونه حوادث می گوید؛ «بدترین و ناجوانمردانه ترین جنایات به نام دفاع از ناموس صورت می گیرد. این باعث شرمساری ما است و باعث می شود ما در قرن بیست و یکم سرمان را از خجالت به زیر بیندازیم.» در ششم اگست یک زوج دیگر در هیرپانا به همین شکل به قتل رسیدند. سه روز بعد از این حادثه یک زوج دیگر در حالی که حلق آویز شده بودند در این منطقه پیدا شدند. اما در هیچ یک از این قتل ها فردی مجازات نشد. این در حالی است که مسؤولان هم اقدامی برای مقابله با این ریش سفیدان انجام نمی دهند. کارشناسان بر این باورند که سیاستمداران هندی که به آرای روستائیان نیاز دارند سعی می کنند خود را رودرروی ریش سفیدان که مردم روستا احترام فراوانی برایشان قائل هستند؛ قرار ندهند. بنابراین اعتراضی به کارهای آنها نمی کنند. سورش کومار که یک معلم است می گوید پلیس منطقه به اندازه کافی قدرتمند است اما او ریش سفیدان را قدرتمندتر از پلیس می داند. او گفت؛ «هیچ کس در این دهکده های سنتی فکر نمی کند اعمال جنایتکارانه ای به وقوع می پیوندد. آنها حتی از این مسأله خوشحال و راضی هم هستند.» کالدیپ ۱۹ ساله که در کالج تحصیل می کند و در دهکده ای که مائون در آن زندگی می کرده زندگی می کند از این دسته از افراد است. او می گوید؛ «اگر من هم عاشق بشوم و با فردی که ریش

سفیدان با آن مخالف هستند، ازدواج کنم کشته خواهم شد و این مسأله کاملاً درست است این بخشی از فرهنگ ما است.»

پلیس چند نفر را به خاطر قتل مائون دستگیر کرد اما هیچ یک از آنها را مقصر تشخیص نداد. آنها حتی معتقدند قتلی صورت نگرفته است. مادر مائون که هنوز در سوگ پسرش عزادار است، می گوید: «عدالت هرگز برای ما فقیران اجراء نخواهد شد.»

یادداشت:

با تشکر از فرستنده این مقاله و آرزوی همکاری های بیشتر شان، چند نکته را باید به عرض برسانیم: مطلبی را که امروز در جوامع پیشرفته مردم از " قتل های ناموسی" می فهمند، به علاوه آنچه در این داستان حزن انگیز خواندیم، ابعاد دیگری را نیز شامل می شود، که معروفترین آن کشتن دختر و یا زنیست که بدون ازدواج با کسی روابط جنسی قائم و یا حتی در صدد قائم نمودن آن باشد. این مسأله در کشور ما افغانستان که شاید شدید تر از همه جا در آن وجود داشته باشد، شامل آن پسرانی نیز می گردد، که مورد استفاده جنسی قرار میگیرند. تا جائیکه مطالعات در این زمینه نشان می دهد، برخورد در قبال این مسأله به صورت عمده به قربانی شدن زن و یا دختر انجامیده، در بدترین حالت مردیکه طرف مقابل شناخته شود درکنار مدتی حبس برای ختم دشمنی چیزی به نام "بد" به طرف مقابل می دهد.

اینکه چنین طرز تفکری از کجا مایه گرفته و خود را به مثابه یک ارزش برتر در درون جامعه تحمیل نموده است، به یقین کامل برخاسته از دید حقارت آمیز و درجه دوم نسبت به زنها می باشد. به عبارت دیگر در جوامعی مانند افغانستان که زن بخشی از ملکیت مرد به شمار می آید، اصل حفظ مالکیت خصوصی به مالک (مرد) حق می دهد تا به خاطر حفظ ملکیت (زن) خویش دست به چنان اقداماتی دست زده و جبران خسارت نماید. در چنین روابط و مناسباتی، بد بختی وقتی به اوج خود می رسد که قضیه را بخواهند با دادن " بد " حل نموده از کشت و کشتار جلو گیری نمایند. چه "زن" که در همه حالت بر اساس مناسبات غیر انسانی فئودالی و اسلام زده فاقد حقوق اجتماعی لازم می باشد وقتی به مثابه " بد " به خانه جدید پا می گذارد، صرف نظر از اینکه هیچ نوع حق و حقوقی ندارد، در واقع نزد باشندگان خانه جدید دشمنیست که به شکنجه گاه فرستاده شده است. پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نبشته انتخابی شما را امکان نشر داد تا باشد تابوی این رسم سخیف و قرون وسطائی شکسته و امکان بحث و تبادل افکار در آن مورد به وجود بیاید.

موفق و کامگار باشید

پورتال AA-AA